

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

اضطراب

بیا که صحن چمن پرگل است و "آب زده"
ز آسمان و زمین مشک تازه میبارد
طراوت چمننت سوی باغ میخواند
ز بس دو چشم تویی جام باده سرشار است
چه میشود به کلامی دلم کنی آرام
دلا به تیغ نگاهش بنه سر تسلیم
سیاهروی شد از بس دروغ گفت رقیب
به ناصواب شکستی دل حـزین مرا

عروس باغ به سر پنجه اش خضاب زده
به چهره دخت چمن عنبر و گلاب زده
درین سپیده دم آخر مباحش خواب زده
گمان برند که شب تا سحر شراب زده
شبی به کویت اگر آیم اضطراب زده
که تو فتاده ز پائی و او شتاب زده
به سان چهـرۀ تاریک آفتاب زده
مگر مقابل تو حـرف ناصواب زده؟

چو من "اسیر" بغیر از دعا چه خواهی گفت

به دلبری که رسد بر سرت شتاب زده

(فرانکفورت - می ۲۰۰۵ م)